



دیگر نتوانست به پیروزی‌ای هم‌سنگ و اثرگذار دست یابد و روند ناگامی‌های عملیاتی با دیگر تکرار شد. لازم به ذکر است که هم‌زمانی چهلمین سالگرد عملیات والفجر ۸ با تحولات پرتنش داخلی و خارجی، از جمله رخدادهای تلخ اعتراضات دی‌ماه و نیز سایه سنگین معادلات سیاست خارجی، به‌ویژه گفت‌وگوهای حساس در مسقط و ژنو و نیز گمانه‌زنی‌ها در باره احتمال درگیری مستقیم میان ایران و آمریکا، سبب شد فرصت لازم برای پرداختن به این مقطع تاریخی از زمان قطع‌مقتضی (۲۰ بهمن) فراهم نشود. در چنین فضایی، طبیعی است که اولویت افکار عمومی و رسانه‌ها بیش از هر چیز متوجه تحولات جاری و نگرانی‌های روزمره باشد و بازخوانی یک عملیات تاریخی، برای بخشی از مخاطبان در حاشیه قرار گیرد. با این‌همه، نباید از اهمیت بنیادین تاریخ شفاهی و ضرورت ثبت تاریخ‌های دست اول غفلت کرد. گفت‌وگو با فرماندهان و تصمیم‌سازان میدانی جنگ، نه‌تنها به غنای حافظه تاریخی کشور کمک می‌کند، بلکه امکان فهم عمیق‌تری از منطق تصمیم‌گیری، اهداف، دستاوردها و هزینه‌های راهبردی آن مقاطع را فراهم می‌آورد؛ فهمی که می‌تواند برای نسل‌های بعد و حتی برای تحلیل‌گران امروز نیز آموزنده باشد. ضمن آنکه این‌دست مضموعات و مطالب مربوط به تاریخ جنگ و انقلاب همواره مخاطبان خاص خود را در هر شرایطی دارد. از این‌رو، در چهلمین سالگرد عملیات والفجر ۹ که در تاریخ پنجم اسفند ۱۳۶۴ انجام شد، بر آن شدیم تا با سردار حسین علایی، نخستین فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که فرمانده قرارگاه «نوح» در عملیات فتح فاو هم بود، به گفت‌وگویی تحلیلی و تاریخ‌محور درباره هر دو عملیات (الفجر ۸ و ۹) بنشینیم؛ گفت‌وگویی که هدف آن، بازخوانی دقیق اهداف، زمینه‌ها و دستاوردهای این عملیات‌ها و ثبت روایتی مستند از یکی از مهم‌ترین فصول دفاع مقدس برای تاریخ معاصر ایران است. در ادامه ماحصل این گفت‌وگفت را از نظر می‌گذرانید.

-
-

جناب علایی، اگرچه بهانه این گفت‌وگو با حضرت‌عالی عملیات والفجر ۹ است، اما می‌خواهم از عملیات والفجر ۸ شروع کنم و بعد به والفجر ۹ برسیم. در ابتدا می‌خواهم مسأله که از آخر به اول شروع کنم و چند سؤال کلیدی برای مصاحبه که نخستین مورد به جرابی اندم است تا از پیروزی عملیات والفجر ۸ و فتح فاو برای پایان‌دادن به جنگ بازمی‌گردد. اگر برخی جریان‌های سیاسی پس از عملیات بیت‌المقدس و آزادی خرمشهر معتقد به پایان جنگ بودند، اما دو طیف دیگر شعار «جنگ، جنگ و جنگ» را در پیروزی عملیات ایران است؟

جناب علایی، اگرچه بهانه این گفت‌وگو با حضرت‌عالی عملیات والفجر ۹ است، اما می‌خواهم از عملیات والفجر ۸ شروع کنم و بعد به والفجر ۹ برسیم. در ابتدا می‌خواهم مسأله که از آخر به اول شروع کنم و چند سؤال کلیدی برای مصاحبه که نخستین مورد به جرابی اندم است تا از پیروزی عملیات والفجر ۸ و فتح فاو برای پایان‌دادن به جنگ بازمی‌گردد. اگر برخی جریان‌های سیاسی پس از عملیات بیت‌المقدس و آزادی خرمشهر معتقد به پایان جنگ بودند، اما دو طیف دیگر شعار «جنگ، جنگ

تا پیروزی» و شعار «جنگ، جنگ تا یک پیروزی» را سر می‌دادند که مورد اخیر با چهره مرکزی و کانونی مرحوم آیت‌الله هاشمی مهربار بود. حال‌این سؤال مطرح است که اگر یک پیروزی و یک عملیات موفق مانند فتح فاو که به قطع دسترسی عراق به آب‌های آزاد و فروش نفت منجر شد، چرا به آن دستاورد برای پایان جنگ منجر نشد؟ هیچ جریان سیاسی‌ای و نیز هیچ‌یک از مقامات کشور پس از آزادسازی خرمشهر معتقد به پایان جنگ بدون حصول پیروزی قاطع ایران و نیز بدون تحقق شرایط جمهوری اسلامی ایران برای خاتمه‌یافتن جنگ نبودند. صدام حسین هم حاضر به عقب‌نشینی از بقیه اراضی اشغالی ایران و پذیرش شرایط ایران ازجمله پذیرش معاهده ۱۹۷۵، به‌ویژه درباره قبول خط‌القدر به عنوان مرز اروندرود نبود. تنها کسی که مخالف عبور قوای ایران از مرز بود، امام خمینی بود که عقیده داشت باید جنگ را بدون عبور از مرز و تا تحقق شرایط ایران ادامه داد.

واقعا امام بعد از آزادسازی خرمشهر معتقد بود نباید نیروهای ما از مرز عبور کنند؟
بله. حاج احمد‌آقا، فرزند امام خمینی، در مصاحبه‌ای گفته است امام خمینی معتقد به خاتمه جنگ پس از آزادسازی خرمشهر بوده‌اند و نیز عبور نیروهای ایران از مرز مخالف بودند که البته شورای عالی دفاع امام را قانع کرد که برای تحقق شرایط ایران، قوای ایران نمی‌توانند در کنار مرز بمانند و بجنگند.

پس ریشه «شعار جنگ، جنگ تا پیروزی» از کجا آمد؟
شعار «جنگ، جنگ تا پیروزی» تا اواخر سال ۱۳۶۲، شعار همه مسئولان و اکثر مردم کشور بود.

شعار «جنگ، جنگ تا یک پیروزی» چطور؟
در بهمن سال ۱۳۶۲ و قبل از شروع عملیات خیبر که آقای هاشمی‌رفسنجانی به عنوان هماهنگ‌کننده ارتش و سپاه در میدان جنگ از سوی امام خمینی انتخاب شد، ایشان در جمع فرماندهان در منطقه عملیاتی امام کرد که اگر دشما این عملیات را به پیروزی برسانند ما جنگ از راه سیاسی به پایان می‌رسانیم. از این زمان بود که برخی گفتند منظور آقای هاشمی‌رفسنجانی «جنگ، جنگ تا یک پیروزی» است.

با سؤال اینجاست که چرا فتح فاو، پایان‌دهنده جنگ شد؟

عملیات والفجـر ۸ مهم‌ترین عملیات ایران پس از آزادسازی خرمشهر است. با انجام این عملیات، ایران توانست بخشی از اروندرود را به تصرف خود درآورد و به صدام نشان دهد که اگر معاهده ۱۹۷۵ را نپذیرد، ایران قادر است به عراق اجازه کشتیرانی در اروندرود را ندهد. همچنین ایران موفق شد ارتباط عراق با خلیج فارس را قطع کرده و شرایط را برای صدام بسیار سخت کند. اما اینکه چرا دستگاه دیپلماسی ایران نتوانست این پیروزی عظیم نظامی را تبدیل به یک پیروزی بزرگ سیاسی کند، مشخص نیست. البته آقای هاشمی‌رفسنجانی انتظار داشت قوای ایران بتوانند خود را به نزدیکی ام‌القصر برسانند، ولی نیروهای ایران از دریاچه نمک نتوانستند جلوگیری روند و جنگ در آن ناحیه حدود ۱۰ روز طول کشید تا آنکه وضعیت تثبیت و ارتش عراق از بازپس‌گیری فاو مأیوس شد. به هر حال دستگاه سیاست خارجی ایران باید در جریان انجام هر عملیاتی در جبهه‌ها، طرحی را برای جلوگیری استفاده از پیروزی آن عملیات برای خاتمه‌دادن به جنگ تهیه می‌کرد و از وزارت امور خارجه می‌خواست تا با اتخاذ دیپلماسی فعال، به دنبال تحقن آن برود.

البته همان‌طور که قبلاً گفتید، این موضوع را ناشی از کم‌کاری دستگاه دیپلماسی وقت و وزارت خارجه می‌دانید که از نتایج فتح فاو در عرصه سیاست خارجی استفاده نکرد؛ اما استفاده نکرد با اجازه استفاده داده نشد؟ باز به



تعدادی از فرماندهان عملیات والفجر ۸: از راست ردیف جلو: غلامرضا جعفری، یحیی رحیم‌صفوی، علی فدوی، حسین علایی و غلامعلی رشید؛ ردیف دوم: احمد غلامپور، بزdan مویدنلی، علی هاشمی و حمید سلیمی؛ ردیف سوم: عباس سرخیلی، مهدی مبلغ و قاسم سلیمانی

فرماندهان عملیات والفجر ۸: از راست ردیف جلو: غلامرضا جعفری، یحیی رحیم‌صفوی، علی فدوی، حسین علایی و غلامعلی رشید؛ ردیف دوم: احمد غلامپور، بزdan مویدنلی، علی هاشمی و حمید سلیمی؛ ردیف سوم: عباس سرخیلی، مهدی مبلغ و قاسم سلیمانی

قول خودتان پیروزی نظامی در عملیات فاو نشان داد تا طرح سیاسی‌ای برای پایان‌دادن به جنگ و خود نداشته باشد، موفقیت نظامی هرچند بزرگ باشد، نمی‌تواند موجب خاتمه جنگ شود. واقعا اراده سیاسی برای پایان جنگ وجود داشت؟

وزارت امور خارجه یکی از مهم‌ترین دستگاه‌های سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در حوزه روابط بین‌المللی و در چگونگی نیل به صلح است. بنابراین وزارت امور خارجه بایستی طرح خود را برای چگونگی استفاده از پیروزی عملیات والفجر ۸ به شورای عالی دفاع ارائه می‌داد؛ یعنی هم‌زمان با پیروزی ایران در عملیات والفجر ۸، وزارت امور خارجه می‌توانست طرح صلحی را به دولت عراق یا به برخی از مجامع بین‌المللی یا کشورهای عربی منطقه پیشنهاد دهد تا شاید بتواند عراق را وادار به عقب‌نشینی کامل از خاک ایران و نیز پذیرش معاهده مرزی ۱۹۷۵ کند که البته اطلاعاتی از انجام چنین اقدامی در دست نیست.

به نظر می‌رسد در آن زمان بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های «قدرت ملی» که می‌توانست کمک زیادی به فرماندهان و رزمندگان در جبهه‌ها کرده و خاتمه‌دادن به جنگ را در مجامع بین‌المللی ازجمله شورای امنیت سازمان ملل دنبال کند، خیلی مورد توجه مسئولان کشور نبوده است. البته آقای هاشمی‌رفسنجانی به توسعه فعالیت‌های دیپلماتیک معتقد بوده است، ولی از اقدامات ایشان هم برای فعال‌کردن وزارت امور خارجه در بهره‌گیری از پیروزی فاو برای نیل به ختم جنگ، اطلاعات چندانی در دسترس نیست. هرچند باید توجه داشت هر جنگی دو طرف دارد و معلوم نیست آیا صدام هم حاضر می‌شد در آن شرایط ن به صلح بدهد یا نه.

آیا آن‌گونه که برخی می‌گویند، آیت‌الله هاشمی هم بعد از فتح فاو اعتقاد به پیروزی‌های بیشتری پیدا کرده بود و استراتژی او هم از «جنگ، جنگ تا یک تا پیروزی» به «جنگ، جنگ تا پیروزی» تبدیل شده بود؟

آقای هاشمی‌رفسنجانی در جلسه‌ای که قبل از آغاز عملیات والفجر ۸ در قرارگاه واقع در دزفول تشکیل شد، در جمع فرماندهان گفت: «شما از اروندرود عبور کنید و به آن طرف بروید و منطقه فاو را تصرف کنید، ما جنگ را تمام می‌کنیم». بنابراین در ذهن آقای هاشمی‌رفسنجانی همواره

یادداشت

۴۰ سال بعد؛ حسین علایی در گفت‌وگو با «شرق» از تصمیم‌ها، دستاوردها و درس‌های والفجر ۸ و ۹ می‌گوید

داستان یک «فتح» بر زمین‌مانده

ایران هم طرح آتش‌بس یا طرح صلح قابل پذیرشی را برای پایان‌دادن به جنگ پیشنهاد نکرد و همچنان به دنبال وادارکردن صدام به پذیرش شرایط ایران برای خاتمه‌دادن به جنگ بود. البته ایران می‌توانست هنگام تدوین قطع‌نامه ۵۸۲ شورای امنیت سازمان ملل در تنظیم آن شرکت کند و از تصویب آن برای پایان‌دادن به جنگ استفاده کند که چون این قطع‌نامه هم نظرات ایران را تأمین نمی‌کرد، فرصتی برای خاتمه‌دادن به جنگ پدید نیامد. ایران انتظار داشت عراق به عنوان متجاوز و آتش‌افروز جنگ معرفی و صدام به‌ عنوان متخلف از موازین بین‌المللی محکوم شود.

عنوان داشته‌اید که بعد از فتح فاو فشار جدی به کشورهای عربی هم مطرح بود، به‌ویژه کویت و عربستان که در هم‌سایگی عراق قرار داشتند. عنوان کرده‌اید که در عملیات والفجر ۸ در کنار ساحل خور عبدالله بالای دکل رفته و فضای جزیره «بویسان» کویت را ملاحظه کردید و علامسی از حضور نیروهای عراق در جزایر کویت مطرح نکردید، اما حضور نیروهای ایران در کنار مرزهای کویت می‌توانست فشار روانی زیادی به کشورهای عربی جنوب خلیج فارس برای قطع حمایت مالی، نظامی، سیاسی و تبلیغاتی از صدام وارد کند. چرا در عمل این‌گونه نشد و تهدیدات شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران افزایش یافت و همچنان کمک‌های بیشتری به صدام شد؟

با حضور قوای ایران در کنار خور عبدالله، کشورهایایی مانند کویت و عربستان احساس خطر بیشتری کردند و حمایت‌های خود از عراق را افزایش دادند. این دو کشور سازمان ملل پیدا کرد. و دیگری اینکه این دو ابرقدرت و نیز تقویت صدام بتوانند از نگرانی‌های خود کم کنند. بر همین اساس بود که بعد از عملیات والفجر ۸ در اتفاق بزرگ رخ داد: یکی اینکه آمریکا و شوروی به این نتیجه رسیدند ادامه جنگ ممکن است به سقوط صدام بینجامد و باید راهی برای خاتمه‌دادن به جنگ از طریق قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل پیدا کرد. و دیگری اینکه این دو ابرقدرت و نیز کشورهای عربی حامی عراق تصمیم گرفتند قدرت نظامی عراق را آن قدر افزایش دهند تا تاب‌آوری آن کشور در برابر عملیات‌های جدید ایران بالاتر برود.

محسن رضایی هم گفته بود با فتح فاو و در بعد سیاسی، عنوان داشتید: «بعد از روشن‌شدن پیروزی‌های عملیات والفجر ۸، آقای هاشمی‌رفسنجانی، فرمانده جنگ، ۲۸ بهمن ۶۴ در جماران با امام دیدار داشتند و درباره آینده جنگ چهار فرضیه را مطرح کردند: (الف) ادامه جنگ تا سقوط حزب بعث عراق و تشکیل حکومت مردمی، (ب) پذیرش سقوط صدام با حفظ حزب بعث در قدرت و گرفتن خسارت‌های جنگ، (ج) پذیرش سقوط صدام با آمدن حکومت غیربعثی در قدرت همراه با گرفتن خسارت‌های جنگ، (د) پذیرش خسارت جنگ با قبول حفظ صدام در قدرت. امام گویا هیچ‌کدام از چهار فرض را قبول نداشتند

و تأکید شد روی فرضیات دیگری بحث شود. عنوان داشتید که همین فرضیات در جلسات سران قوا هم شب ۲۸ بهمن مورد بحث قرار گرفت و بیشتر نظرها روی بندهای دوم و سوم بود که به نتیجه نرسید». چرا واقعا نتوانستیم به یک خروجی و پیروزی ملموس سیاسی و دیپلماتیک بعد از فتح فاو برسیم؟

بعد از تصرف فاو توسط ایران، صدام هیچ‌گونه نشانه‌ای که حاضر است معاهده ۱۹۷۵ را که خودش آن را در اوایل سال ۱۳۴۵ امضا کرده بود، نپذیرد و آن را منبای حل اختلافات بین دو کشور قرار دهد، از خود بروز نداد. در عوض به دنبال افزایش قدرت نظامی عراق رفت و به‌سریعت بر تعداد لشکرهای کارد افزود. از طرفی به دنبال جذب کمک‌های مختلف از کشورهای عربی و شوروی و اروپا رفت که موفق هم شد. از سوی دیگر

بعد از تصرف فاو توسط ایران، صدام هیچ‌گونه نشانه‌ای که حاضر است معاهده ۱۹۷۵ را که خودش آن را در اوایل سال ۱۳۴۵ امضا کرده بود، نپذیرد و آن را منبای حل اختلافات بین دو کشور قرار دهد، از خود بروز نداد. در عوض به دنبال افزایش قدرت نظامی عراق رفت و به‌سریعت بر تعداد لشکرهای کارد افزود. از طرفی به دنبال جذب کمک‌های مختلف از کشورهای عربی و شوروی و اروپا رفت که موفق هم شد. از سوی دیگر

بعد از تصرف فاو توسط ایران، صدام هیچ‌گونه نشانه‌ای که حاضر است معاهده ۱۹۷۵ را که خودش آن را در اوایل سال ۱۳۴۵ امضا کرده بود، نپذیرد و آن را منبای حل اختلافات بین دو کشور قرار دهد، از خود بروز نداد. در عوض به دنبال افزایش قدرت نظامی عراق رفت و به‌سریعت بر تعداد لشکرهای کارد افزود. از طرفی به دنبال جذب کمک‌های مختلف از کشورهای عربی و شوروی و اروپا رفت که موفق هم شد. از سوی دیگر

بعد از تصرف فاو توسط ایران، صدام هیچ‌گونه نشانه‌ای که حاضر است معاهده ۱۹۷۵ را که خودش آن را در اوایل سال ۱۳۴۵ امضا کرده بود، نپذیرد و آن را منبای حل اختلافات بین دو کشور قرار دهد، از خود بروز نداد. در عوض به دنبال افزایش قدرت نظامی عراق رفت و به‌سریعت بر تعداد لشکرهای کارد افزود. از طرفی به دنبال جذب کمک‌های مختلف از کشورهای عربی و شوروی و اروپا رفت که موفق هم شد. از سوی دیگر

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقیماً وارد شوند و مشارکت آنها در این جنگ احتمالی از ارسال تجهیزات و محکوم‌کردن اقدامات خلاف قوانین بین‌المللی علیه ایران فراتر از محکوم‌کردن تجاوز آمریکا نخواهد رفت که امروزه به‌هیچ‌وجه ارزش عملیاتی برای بازاراندگی خوی تجاوزگری ایالات متحده که با سقوط سلطه جهانی و سقوط ارزش دلار مواجه است، نخواهد داشت. گام‌های بعدی این تجاوز آمریکا، روسیه و البته چین خواهند بود. بنابراین، این پرسش که «آیا روسیه و چین فقط به محکومیت‌های بی‌اثر بسنده خواهند کرد؟» در حالی که گام بعدی این تجاوز متوجه خود آنهاست، معمای راهبردی امروز جهان را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، باید شواهد میدانی ۴۸ ساعت گذشته (۲۰–۲۱ فوریه ۲۰۲۶) را با نگاهی فراتر از محکومیت صرف بررسی کنیم. تصویری که از کنش هماهنگ پکن و مسکو در برابر واشنگتن پدیدار می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

آسیب جدی خواهد دید و اگر فرود نیابد، نمایش قدرت او به ضد خود تبدیل می‌شود. در مورد واکنش‌های روسیه و چین نیز به نظر نمی‌رسد این دو کشور بخواهند در درگیری ایالات متحده و ایران مستقی